

گفتگوی احمد آدم با آرش عادل

کاریکاتورست



آرش عادل: آغاز فعالیت حرفه‌ای من در زمینه کاریکاتور با مجله طنز گل آقا به اسفند ۱۳۷۵ برمی گردد. آن زمان دانشجوی سال سوم مهندسی عمران بودم. یاد می‌آید در میان بچه‌های کاریکاتورست تنها کسی بودم که هنر نمی‌خواند. همکاری من با گل آقا به عنوان کاریکاتورست تا آخرین شماره مجله - تا سال ۱۳۸۱ - ادامه داشت و در طی این زمان کارهای هفته نامه، ماهنامه، سالنامه و کتاب‌هایی که انتشارات گل آقا منتشر می‌کرد به چاپ رسید. ایام کار در گل آقا، ایام شیرین و پر باری برای من بود. برای من که هنر نخوانده بودم، مانند دانشگاه بود؛ همشینی با پیشکسوتان کاریکاتور همچون احمد عربانی، محمد رفیع ضیائی، ناصر پاک شیر، عبدالهی نیا و طنز نویسان بزرگی چون کیومرث

معلم‌های دیگر نشان دهد و این اولین باری بود که در عالم کودکی فهمیدم کاری را بلدم که شاید بقیه آن را به آن خوبی بلد نبودند. این نقاشی کشیدن‌ها در هر جایی حتی در گوشه دفترهای مشق ادامه داشت تا اینکه در سال دوم دبیرستان به طور اتفاقی مجبور به شرکت در یک مسابقه طراحی شدم؛ اجبار از این رو که فقط دانش آموزانی مجاز به ثبت نام در اردوی یک روزه مدرسه بودند که در مسابقه ای مربوط به یک رشته هنری شرکت کرده بودند، و من هم برای رفتن به اردو در مسابقه طراحی ثبت نام کردم؛ نتیجه این شد که نفر اول دبیرستان شدم و به مسابقات دبیرستان های منطقه فرستاده شدم و نهایتاً در سطح دبیرستان های منطقه چهار تهران مقام اول را به دست آوردم. از آن موقع طراحی و کاریکاتور را ادامه دادم تا اینکه، پنج سال بعد، بطور حرفه ای وارد کار کاریکاتور شدم.

احمد آدم: از چه زمانی با نشریه گل آقا شروع به کار کردید؟

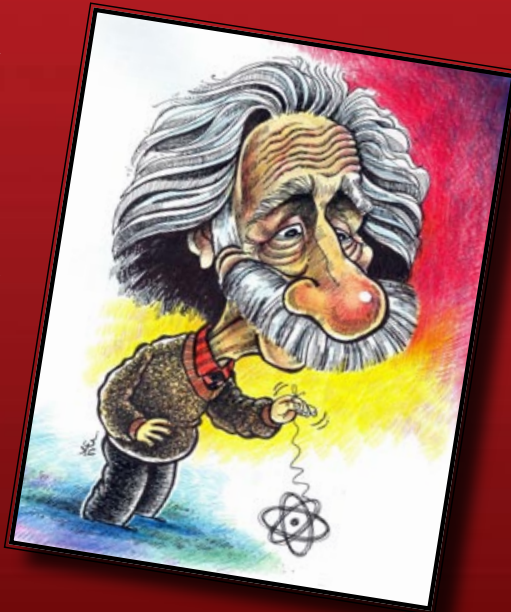
احمد آدم: ابتدا از خودتان براینمان بگوئید. چند سال دارید، و اینکه چطور شد که کاریکاتورست شدید؟
آرش عادل: من در امرداد ۱۳۵۳ در یک روز گرم تابستان در تهران و در در مانگاهی هم اسم خودم «آرش» به دنیا آمدم. مثل همه بچه های دیگر از بچگی عاشق نقاشی بودم و کارم را از خط خطی کردن صفحات دفتر نقاشی و گاهی دیوارهای خانه آغاز کردم، با این تفاوت که خط خطی های من نسبت به بقیه کمی بیشتر کج و کوله بود و شاید به همین دلیل هم من بعد ها کاریکاتورست شدم! از کودکی عاشق کارتون بودم که می توان گفت در آن شخصیت‌ها به نوعی کاریکاتور هستند و من خیلی اوقات سعی می‌کردم از روی آنها بکشم و کپی کنم. یادم می‌آید در سال دوم دبستان، در روز امتحان نقاشی، معلممان نقاشی موا که صحنه ای از زیر دریا بود و کلی ماهی و یک کوسه بزرگ سیاه داشت را از من گرفته بود و به این کلاس و آن کلاس می‌برد تا به

که کسی نبودم، این فروتنی و احترام ایشان حس بسیار خوبی در من ایجاد می کرد، به من اعتماد به نفس می داد و این که فکر می کردم حالا دیگر کسی شده ام؛ ولی اکنون که سال ها از آن روزها گذشته و من هنرمندان زیادی را دیده ام، به صحت این مثل رسیده ام که درخت هرچه پُربارتر باشد افتاده تر است. خیلی از آن اساتید طنز امروز دیگر در میان ما نیستند و به رحمت ایزدی پیوسته اند؛ پیشکسوتانی که فروتنی و منش شان برای ما الگو بود. آنها به دیگران می آموختند که هنرمند باید قبل از هر چیز انسان باشد تا ماندگار شود، نه آنکه غرق جلوه های ظاهری شهرت شده و خودش را از دیگران جدا بداند؛ هنرمند باید با مردم، در میان مردم و برای مردم باشد.

احمد آدم: در حال حاضر چه می کنید؟

آرش عادل: چند سالی است که به جای کاریکاتور مطبوعاتی به کاریکاتور بدون شرح و تصویر سازی روی آورده ام و در این زمینه با مجلات مختلفی به عنوان تصویر ساز و کاریکاتوریست همکاری داشته ام که از آن جمله می توان مجله «باران»، فصلنامه داخل پروازی هواپیمایی ملی ایران «هما» و مجله «ارتباط» در امارات عربی متحده اشاره کرد؛ در کنار این کارها، به عنوان گرافیست نیز فعالیت داشته ام و در این اواخر هم کمی به عشق دوران نوجوانیم یعنی عکاسی پرداخته ام و مشغول کسب تجربه هستم که در این زمینه نیز دو جایزه اول عکاسی نیز داشته ام که جایزه اول عکاسی بخش ویژه عکس مترو در سال ۱۳۸۵ از آن جمله است.

احمد آدم: برای آینده چه برنامه ای دارید؟



صابری فومنی (گل آقا)، عمران صلاحی، حسین گلستانی، محمد پورثانی و بسیاری از طنزآزان دیگر، هم کلاس درس بود هم زندگی، چون در دفتر تحریریه مجله، دیگر، این استادان نوشته های روی کاغذ و حکایت های طنز نمودند، بلکه انسان هایی فرهیخته بودند که اخلاق و رفتارشان نیز الگوی دیگران بود؛ قرار گرفتن در آن محیط و همکاری با این طنزآزان بسیار لذت بخش و آموزنده بود، اینکه برای اولین بار مراحل خلق و پیدایش و نشر طنز را شاهد باشیم، اینکه طنز و کاریکاتور را چه کسانی می نویسند و می کشند و چطور یک مجله شکل می گیرد. کار در گل آقا شروعی بود برای کارهای بعدی من و محلی شد که به دلیل رقابت با کاریکاتوریست های دیگر، کارهایم پخته تر و قویتر شوند.

احمد آدم: آیا با دوست و همکار بسیار خوب ما شادروان عمران صلاحی هم کار کرده اید؟ چند سال پیش برای دیدارشان به دفتر گل آقا آمدم که خاطره خوبی از آن دیدار برایم بجا مانده.

آرش عادل: شادروان عمران صلاحی انسان بسیار محترم و افتاده ای بود. ایشان استادی بود که طنز را به خوبی می شناخت و دستی هم در کاریکاتور داشت و من در مدت ۵ سالی

که در گل آقا بودم، خیلی از کاریکاتورهای مرا که سوژه های ایشان متعلق به ایشان بود، تصویر می کردم. یادم می آید آن روزها که من جوانکی کوچک و لاغر اندام (گرچه هنوز هم فرق زیادی نکرده ام!) و تازه وارد بودم، هر وقت که به دفتر مجله می رفتم و ایشان حضور داشتند، بلند شده و با من به گرمی احوالپرسی می کردند. آن زمان برای من

می‌کنم که عجیب است با اینکه صدها رشته دانشگاهی وجود دارد ولی هنوز این رشته در هیچ دانشگاهی تدریس نمی‌شود، شاید یکی از دلایلی این است که کاریکاتوریست شدن اکتسابی نیست، آدمی را می‌خواهد که روحیه طنز داشته باشد و به همه چیز جور دیگری نگاه کند، و نگرش و روحیه طنز داشتن چیزی نیست که با دانشگاه رفتن به دست آید، ولی اگر کسی کمی ذوق و پشتکار داشته باشد، می‌تواند قدم در این راه بی انتها بگذارد، ابزارش هم چیزهای خاص و گرانی نیست، قلم است و کاغذ که با آن یک مقدار ذوق و پشتکار میشود همه چیز! به دوستانی که به کاریکاتور علاقه دارند، توصیه می‌کنم که با طراحی شروع کنند، اشتباهی که بعضی‌ها می‌کنند این است که فکر می‌کنند کاریکاتور کج و کوله کشیدن است، ولی در واقع کاریکاتوریست ابتدا باید درک درستی از آناتومی و حجم داشته باشد و بعداً به کشیدن کاریکاتور بپردازد، چون در نقاشی، نقاشی مدلی دارد که از روی آن می‌کشد، ولی برای خلق یک صحنه کاریکاتور، هنرمند مدلی ندارد و باید همه شخصیت‌ها، فیگورها، صحنه و اشیای درون آن را با تصورات خود خلق کند و این کار فقط با درکی درست از طراحی امکان پذیر است؛ پس توصیه می‌کنم تا جایی که می‌توانند طراحی کنند و در کنار آن کاریکاتور نیز زیاد ببینند، چون نقاشان با «دیدن» است که چیز یاد می‌گیرند، همانطور که موسیقی دانان با «شنیدن»؛ و برای شروع کار، می‌توانند ابتدا از روی کارهای کاریکاتوریست‌های معروف کپی کنند تا به چگونگی ترسیم خطوط، حس خطوط و ظرافت‌هایی که آن‌ها در کارشان به خرج داده‌اند، پی ببرند؛ و در نهایت، تا می‌توانند تمرین کنند و کار ببینند که «کار نیکو کردن از بُر کردن است».



آرش عادل: در حال حاضر بیشتر عکاسی می‌کنم، برای خودم و کسب تجربه، که شاید آن‌ها را در آینده به صورت مجموعه عکس‌هایی منتشر کنم، کاریکاتور بدون شرح، تصویر سازی و گرافیک هم که از دغدغه‌های همیشگی‌ام بوده‌اند و خواهند بود.

احمد آدم: به نظر شما یک کاریکاتوریست چه نقشی در جامعه خود دارد؟

آرش عادل: کاریکاتوریست‌ها به عنوان بخشی از جامعه طنز، نویسنده‌ها و شعرا، طنز، وظیفه سنگین و در عین حال ظریفی را بر عهده دارند. شاید به چشم نیاید، ولی طنز با ابزارش که خنده است، بسیار گیراتر از جد عمل می‌کند و تاثیر بیشتری بر مخاطب می‌گذارد، نمونه‌اش را می‌توان در اقبال بیشتر کارهای طنز در تلویزیون نسبت به کارهای جدی دید که حتی در بسیاری از موارد، الگوی رفتاری مردم امروز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. امروزه خوانندگان بهتر فرق طنز را با لودگی می‌شناسند و مرز روشنتری را بین این دو قائلند. طنز یعنی به کنایه گفتن، یعنی انتقاد کردن؛ یعنی گاهی واقعیتی تلخ را جوری بگوییم که آنقدرها هم تلخ به نظر نیاید و خواننده لبخندی هم بر لبانش بنشیند ولی به فکر نیز فرو رود. نقش کاریکاتوریست یادآوری مشکلات جامعه و نمایش آنهاست، پیشنهاد راهکار است با زبان طنز که گاهی عجیب هم به نظر می‌آید ولی ما را به فکر فرو می‌برد، و به قول مرحوم گل آقا: «طنز یعنی سیلی زدن به صورت خواننده تا بیدارش کنیم و واقعیت‌ها را ببیند، ولی سیلی زدن با گل سرخ...».

احمد آدم: در پایان برای کسانی که به این کار علاقه دارند، چه پیامی دارید.

آرش عادل: گاهی اوقات با خودم فکر